

بررسی کارکردهای بیانیه گام دوم انقلاب از نگاه دکتر علیرضا زاکانی، نماینده سابق مردم تهران در مجلس شورای اسلامی

حزب الهی‌ها باید متحد شوند و ایده پیشرو تولید کنند



قریب به شش ماهی که از صدور بیانیه گام دوم انقلاب می‌گذرد کارشناسان و اساتید مختلفی وجوه مختلف آن را بررسی کرده و با رویکردهای متفاوتی بدان نگر بسته‌اند، اما همچنان جای پاسخ به یک سؤال خالی است. «بیانیه گام دوم انقلاب در کجای پازل کنشگران انقلاب است؟» برای پاسخ به این سؤال سراغ دکتر علیرضا زاکانی، نماینده ادوار مجلس رفتیم. او که از محوری‌ترین چهره‌های جریان انقلاب است همواره در اصلی‌ترین جریان‌ها ۴۰ سال اخیر حضور داشته و معتقد است جبهه انقلاب امروز از تفرق و بی‌سلیقتی در تولید و نشر حرف‌های نو و فکر پیشرو رنج می‌برد و بیانیه گام دوم می‌تواند بستری جبران خلأهای موجود باشد. در ادامه دیدگاه‌های او را در این زمینه می‌خوانید.

دسته‌بندی جامعه

جامعه را در یک دسته‌بندی کلان می‌توان به انقلابی، غیرانقلابی و بی‌تفاوت تقسیم‌بندی کرد و در یک نمودار رنگ‌لغای نشان داد. در این نمودار قسمت مثبت را انقلابی و قسمت منفی را ضد و مخالف انقلاب می‌گیریم. دسته خنثی نیز کسانی هستند که ارزشی فکر نمی‌کنند بلکه دنبال زندگی هستند و هر بار به سمت دسته‌ای متمایل می‌شوند که بتواند زندگی‌شان را بهتر سامان دهد.

هر کدام از قسمت‌های مثبت و منفی، شامل یک هسته مرکزی و تولیدکننده گفتمان و ایدئولوژی است که حداکثر ۱۰ درصد آن طبقه را تشکیل می‌دهد، لایه دوم «همراهان» هستند که وظیفه تبلیغات و گفتمان‌سازی را دنبال می‌کنند و لایه سوم «حامیان» هر چند شاید کنشگری چندانی نداشته باشند اما دلشان با آن جریان است و به قول معروف دعاگویند!

وظیفه جریان انقلاب نسبت به جامعه ما به عنوان جریان انقلاب خودمان را نسبت به صدرصد جامعه مسئول می‌دانیم. این مسئولیت، مسئولیت نوکری است. یعنی جبهه انقلاب خودش را موظف می‌داند نوکری همه اقشار و طبقات جامعه را کند تا پیشرفت کشور و تکامل انقلاب محقق شود و مردم صادقانه لذت خدمت‌رسانی بی‌منت را تجربه کنند. لذا ما نسبت به همه وظیفه نوکری داریم و این را از امامین انقلاب اسلامی که پیشوا ما هستند، الگو می‌گیریم. شنیده‌ایم که امام خمینی (ره) فرمودند: «اگر به من بگویند خدمتگزار، بهتر از این است که بگویند رهبر، رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است. اسلام، ما را موظف کرده که خدمتگزار، رهبری مطرح است.» (۱۳۵۸/۸/۱۲) و این خادم بودن را بارها در سخنرانی‌های مختلف تکرار و بر آن تأکید کردند. همچنین رهبر معظم انقلاب (حفظه‌الله)

هم صراحتاً فرموده‌اند: «در نظام اسلامی، ما مسئولان، خدمتگزار و نوکر مردم هستیم و اعتبار و ابروی خود را از خدمتگزاری به مردم کسب می‌کنیم.» (۱۳۸۲/۱۱/۱۵)

غایت و آرمان خادمی مردم

جبهه انقلاب همانطور که وظیفه خادمی مردم در دنیا را بر عهده دارد، از منظر الهی ناظر به جهت‌دهی و ایجاد زمینه مناسب برای تکامل روحی و پیشرفت معنوی جامعه نیز مسئول است. حتی آن عصری که از هسته سخت بخش ضد انقلاب جامعه است، می‌تواند در روز قیامت جلوی من و شمالی را که مدعی جبهه انقلاب هستیم، بگیرد و بگوید من که سر جای خود تنبیه می‌شوم اما تو چرا کاری نکردی که من آگاه شوم؟ یعنی در صورت کم کاری، ما را به خاطر گمراهی و خسران دیگران چوب می‌زنند، لذا بُعد الهی ما نسبت به همه مردم (چه ملی و چه جهانی) مسئولیت هدایتی داریم و آن دنیا برای این مسئولیت مؤاخذه می‌شویم. کسی را که ما از او مراقبت نکردیم و از روی فقر و استضعاف



ما به عنوان جریان انقلاب خودمان را نسبت به صدرصد جامعه مسئول می‌دانیم. این مسئولیت، مسئولیت نوکری است. یعنی جبهه انقلاب خودش را موظف می‌داند نوکری همه اقشار و طبقات جامعه را کند تا پیشرفت کشور و تکامل انقلاب محقق شود و مردم صادقانه لذت خدمت‌رسانی بی‌منت را تجربه کنند

(چه مادی و چه معنوی) دین و ملیت‌ش را زیر پا گذاشت و رفت با دشمن همکاری کرد، جلوی ما را می‌گیرد که تو چرا کاری نکردی که من به این سو سوق پیدا نکنم؟ او در جای خود چوب می‌خورد و ما هم در جای خود.

وظیفه جریان انقلاب نسبت به امام جامعه

از سوی دیگر ما نسبت به امام جامعه و رهبری هم مسئولیت داریم. چرا؟ چون رهبری خوب لازم است اما کافی نیست. اگر بنا بود کافی باشد امام علی (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) ضد انقلاب جامعه است، می‌تواند در روز قیامت جلوی من و شمالی را که مدعی جبهه انقلاب هستیم، بگیرد و بگوید من که سر جای خود تنبیه می‌شوم اما تو چرا کاری نکردی که من آگاه شوم؟ یعنی در صورت کم کاری، ما را به خاطر گمراهی و خسران دیگران چوب می‌زنند، لذا بُعد الهی ما نسبت به همه مردم (چه ملی و چه جهانی) مسئولیت هدایتی داریم و آن دنیا برای این مسئولیت مؤاخذه می‌شویم. کسی را که ما از او مراقبت نکردیم و از روی فقر و استضعاف

بدين ترتيب می‌شمارند. ۱- آنها در یاری کردن باطل خود، وحدت دارند و شما در دفاع از حق متفرقید. ۲- شما امام خود را در حق نافرمانی کرده و آنها امام خود را در باطل فرمانبردارند. ۳- آنها نسبت به رهبر خود امانتدار و شما خیانتکارید. ۴- آنها در شهرهای خود به اصلاح و آبادانی مشغولند و شما به فساد و خرابی. و خیلی سخت است که در انتهای این خطبه می‌فرمایند: «(انقدر فروما به‌اید) اگر من کاسه چوبی آب را به یکی از شماها امانت دهم می‌ترسم که بند آن را بدزدید.»

الزامات رسیدن به اهداف جریان انقلاب

وقتی ما این قبیل حرف‌ها را پیش چشم خود می‌گذاریم، متوجه می‌شویم مسئولیتی که داریم چقدر سنگین است و نمی‌توانیم در برابر این مسئولیت سنگین ساکت بنشینیم، هر

چند خداوند منتی بر ما ندارد و اگر ما از عهده این مسئولیت بر نیاییم این نعمت را از کف ما برداشته و بر دوش ملتی دیگر می‌نهد، اما برای اینکه به اهداف خود برسیم باید الگویی مناسب داشته باشیم. در گام اول که هدف، انقلاب و استقرار نظام اسلامی بود الگوی مناسبی نداریم که با صدور بیانیه گام دوم دستمان پر شد و حالا باید به سوی جامعه نمونه حرکت کنیم تا آن شاءالله انقلاب را تکمیل کنیم و تمدن نوین اسلامی و ظهور منجی عالم بشریت را رقم زنیم.

ویژگی‌های جامعه نمونه

جامعه نمونه جامعه‌ای است که استقلال، آزادی، عدالت، پیشرفت معنوی و پیشرفت مادی در آن وجود داشته و استکبارستیزی و حمایت از مظلوم در اعمال و رفتار مردم آن جامعه تجلی داشته باشد. در حال حاضر ما در ابعاد مختلف با این جامعه فاصله داریم که بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان سندی راهبردی، رهنمون ما به این جامعه خواهد بود.

چارچوب بیانیه گام دوم

شاکله اصلی بیانیه گام دوم سه بخش دارد: ۱) روایتی صادقانه از گذشته تا به امروز (۲) تبیین دقیق وضع موجود و (۳) ترسیم درست آینده و چگونگی دست یافتن به آن.

آسیب‌شناسی جریان انقلاب

برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم جریان انقلاب چند ایراد اساسی دارد: ۱) دچار تفرقه هستیم. ۲) فکر پیشرو و ایده جدید نداریم. ۳) هم‌داستان نیستیم و اصلاً صحنه را یک چیز نمی‌بینیم. ۴) بسیار بی‌سلیقه هستیم و نمی‌توانیم اندک داریی خود را نقد کنیم و به عبارتی هنر آن را نداریم تا حرف‌های خوب خودمان را خوب برانیم. ۵) بعضاً بی‌حس هستیم به حدی که بعضی‌ها را باید با بولدورز کشاند. امروز اگر کسی

۱- اول بیان داشته‌اند «انقلابی باشید». خاصیت انقلابی بودن رفیع تفرقه و بی‌حسی و ایجاد نیرویی برای تولید فکر پیشرو و آغاز با انگیزه و قدرتمند حرکت و تحول است که این موجب ایجاد ظرفیت‌های جدید نیز خواهد شد. ۲- حضرت آقا می‌فرمایند: «صدگری و اندیشه‌ورزی» کنید. این باعث می‌شود ما در فکر پیشروی انقلابی‌مان هم‌داستان شویم و ضمن آنکه شناختمان افزایش می‌یابد و مسیر تعامل در ست راه می‌کنیم، حرف‌های خوب و نویی به‌دست می‌آوریم.

۳- نکته سوم آقا می‌فرمایند: «آتش به اختیار». یعنی وقتی جهت صحیح را پیدا کردیم و هم‌داستان شدیم، هیچ کس معطل کسی نشود و شروع کنیم به تیز زدن. اگر بدایم آب را کجا بریزیم، هر کس هر آبی که بریزد در آسیاب انقلاب است. لذا به نظر من امروز وقتی است که انقلابیون باید با محور قرار دادن بیانیه گام دوم انقلاب دور هم جمع شوند و با فهم صحیح و دقیق وضع موجود، از شرایط فعلی بهترین برداشت را کرده و با همفکری و اندیشه‌ورزی، فکر و ایده پیشرویی را ارائه کنند تا بتوانیم آرمان‌های بزرگ انقلاب را محقق سازیم و زندگی مردم را تأمین کنیم. اگر با اجماع به این فکر و ایده مشترک و پیشرو برسیم آن وقت هر کس در هر جایی قلم بزند و کار کند، در راستا و گفتمان انقلاب اسلامی خواهد بود و از هدر رفت پتانسیل‌ها جلوگیری می‌شود.

یادداشت



شاعرگرایی و شعارزدگی را از کالبد انقلاب خارج کنیم

امیرحسین یوسفی



انقلاب اسلامی در حالی وارد ۴۰ سال دوم می‌شود که به تبع فراز و فرودها و ریزش‌ها و رویش‌های دارای کوله‌باری از تجربه‌هایی که ارزشمند است؛ تجربه‌هایی که اگر در یک سرزمین دیگر و برای مردمی غیر از مردم ایران اسلامی و مکتبی غیر از نظام اسلامی اتفاق می‌افتاد می‌توانست تار و پود آن را برهم بپیند.

امروز در شرایطی صاحب انقلاب اسلامی، این در گرانبها هستیم و به آن می‌بایم که انقلاب، از آن انقلاب نهال گونه ۵۷ تبدیل به درخت تنومند و پرقدردت شده است و در نتیجه نتاج ۴۰ ساله کاملاً صیقل خورده و پسان شمشیر آب دیده با وجود چالش‌ها و بحران‌ها به‌صورت بزنده و جهشی حرکت می‌کند. هرچند صیقل خوردن و روان شدن انقلاب اسلامی هزینه‌های زیادی داشته و عمده این هزینه‌ها عم از مادی و معنوی را مردم پرداخته‌اند چون این انقلاب به معنای واقعی کلمه مردمی است هرچند جیره‌خوران قلم به‌دست و روشنفکر نمایان مزدور، از درک آن عاجزند. حرکت انقلاب در ۴۰ سال دوم نباید با اصطکاک‌ها و مانع‌های گام اول انقلاب همراه باشد؛ دست‌اندازهای اول انقلاب که بنا به دلایل تقنینی، اجرایی یا قضایی و حقوقی ایجاد شده بودند و کار و مأموریت‌های انقلاب را دچار فرسایش می‌نمودند باید در گام دوم مرتفع گردند. سرعت انقلاب، نباید سرعت ۴۰ سال اول انقلاب باشد. انقلاب برای تحقق آرمان‌های خود که رسیدن به تمدن نوین اسلامی است باید جهشی حرکت نماید تا عقب‌ماندگی‌های تحمیلی از طرف نظام سلطه را جبران نماید و به چشم‌انداز آرمانی خود تحقق بخشد. سرعت ۴۰ سال اول انقلاب در ۴۰ سال دوم انقلاب قابل قبول نیست.

در گام دوم، آن هم در دهه اول باید موانع رشد حرکت انقلاب، مورد رصد و شناسایی دقیق قرار گیرند؛ میراها و منافذی که برای انقلاب و نظام تولید ناکارآمدی می‌کنند مشخص شوند، سازمان‌ها، نهادهای و نهادهای، ادارات و به‌طور کل دستگاه‌هایی که برای نظام ناراضی‌خیز خلق می‌کنند مورد بازبینی و بررسی قرار گیرند. اگر مشتری با جوع به بانک ناراضی خارج می‌شود، از والدین دانش آموزان از کمیت و کیفیت آموزش و پرورش ناراضی هستند، اگر کشاورز از کار خود در دشت و کوه و صحرا ناراضی است، اگر خدمات‌رسانی به مردم در جاهایی دچار خدشه است و اگرهای دیگر، باید در گام دوم انقلاب با اولویت‌بندی، اما با سرعت و دقت، سراغ این اگرها رفت و نسبت به رفع مشکلات و معایب اهتمام ورزید.

امروز دیگر بعد از ۴۰ سال از سپری شدن انقلاب دولت‌ها و مسئولان نظام به نتایجی مختلف به ظاهر و باطن دشمن شناخت متفن و محکم پیدا کرده‌اند، تجربه و آورده مقاومت را دیده و لمس کرده‌اند، نتایج مذاکره را چشیده‌اند و آزمون دلدادگی و توسل به غرب و نظام سلطه را نیز داده‌اند. دیگر جایی برای آزمون و خطا وجود ندارد لذا در گام دوم انقلاب بدون تحراف به چپ و راست باید در مسیر مستقیم انقلاب حرکت نمود و با اتکا به توان داخلی بدون کوچک‌ترین توجهی به داشته‌های دیگران راه‌های موفقیت را طی کرد.

به توفیق الهی، شعارهای انقلاب در ۴۰ سال دوم انقلاب باید بسال واقعیت به تن کنند و شعارگرایی و شعارزدگی از کالبد انقلاب خارج گردد، چراکه شعار بدون عمل می‌تواند در بلندمدت همچون غده سرطانی بدخیم عمل و انقلاب را طغی کند.

امروز که در ۴۰ سال دوم انقلاب نفس می‌کشیم نشه راه می‌یابست. نقشه راه هم به تبع وجود داشته‌ها. ۴۰ ساله انقلاب و هم به واسطه صدور بیانیه یا منشور گام دوم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) برای همه دلجووان، مسئولان، نخبگان و در یک کلمه برای همه انقلابیون جهان اسلام کاملاً روشن و واضح ترسیم شده است. بیانیه گام دوم انقلاب گذشته، حال و آینده انقلاب را دقیق ترسیم کرده است. بیانیه به روشنی شکستن بلوک‌بندی انحصاری جهان به غرب و شرق را به عنوان مصداق برتری مکتب اسلام سیاسی اعلام و به وضوح بیان نموده است که مدعیان دروغین دموکراسی که دم از نظریه پایان تاریخ و غلبه لیبرال دموکراسی غرب بر جهان می‌زدند چگونه در سال ۱۹۷۹ بر پیروزی ایدئولوژی اسلام ناب محمدی (ص) نظاره گر شدند. بیانیه، اراده نظام در مواجهه با مسائل پیش‌روی در این برهه زمانی (حال) را با صراحت تمام عنوان و تأکید کرده است این انقلاب با شجاعت، صداقت، اقتدار و مروت انقلابی، از مظلومان و مستضعفان در مقیاس داخلی، منطقه‌ای و جهانی دفاع می‌کند و آن را مایه سربلندی ایران اسلامی می‌داند و با جدیت برای برداشتن گام‌های استوار در داشته‌ها برای نیل به آرمان بزرگ که همان تمدن اسلامی است حرکت می‌کند.

مردم ایران اسلامی، مردمی متعهد به انقلاب و ولایت هستند. این مردم که در طول ۴۰ سال گذشته با تمام وجود در حراست از انقلاب کوشیده‌اند لازم است ثمرات و دستاوردهای انقلاب را به صورت کامل ببینند و شاهد باشند هر چند با وجود مشکلات عدیده و سنگ‌اندازی‌های فراوان دشمن و نظام سلطه در چهار دهه گذشته، انقلاب دستاوردهای زیادی همچون استقلال و آزادی را داشته است و ولی باید مسئولان بدانند که حق این مردم اینتر گر بیشتر از اینهاست و جهان اسلام برای بر آورده شدن منویات خود به انقلاب اسلامی چشم دوخته است لذا مسئولان باید بیشتر و با نگاه راهبردی، عمیق تر و کارآمدتر به دورنمای کارها و برنامه‌ها نگاه کنند تا طعم انجام کارها به کام مردم و امت اسلامی شیرین و دشمن روز به روز مایوس تر گردد. ان‌شاءالله

